



تا همین چندماه قبل یکی از معضلات دانشجویان ارشد و دکتری، نوشتن مقاله‌های علمی بود. اقدامی که در نگاه اول، بسیاری مفید و منمّر ثمر است، اما نه وقتی خوب می‌دانیم بسالای ۹۰ و چند درصد از این مقاله‌ها توسط خود این افراد به رشته تحریر در نمی‌آید و این مقاله‌نویسی به بازار سیاه برای دلالتان تبدیل شده‌است. هر چند با باز شدن پای هوش مصنوعی، هزینه دانشجویان برای نوشتن مقاله‌های علمی پایان آمده، اما باز هم کمتر دانشجویی خود برای عبور از این خان سخت و دشوار، شخصا دست به قلم می‌شد. امروز اما، شرایط دشواری که جنگ تحمیل شده به کشور ایجاد کرده، باعث شده تا آقایان مسئول به بازنگری مقوله مقاله‌های علمی بپردازند و تأکید کنند که دیگر برای گرفتن مدرک یا نمره نیازی به دادن مقاله‌های علمی نیست. اینجاست که باید گفت «عدو شود سبب خیر».

شاید هرگز فکر نکریم کردیم تجاوز دشمن بتواند باعث یک تغییر مثبت در سطح آموزش عالی کشور شود، اما تصمیم موقتی که در این شرایط گرفته شده رامی‌توان به فال نیک گرفت. تصمیمی که می‌تواند گام نخست برای برچیدن داستان مقاله‌های پولی، قرضی و حتی غیرعلمی باشد. آنها که این مقاله‌ها رد زیر دستشان رد می‌شود، خوب می‌دانند که چند درصد دانشجویان شخصا اقدام به نوشتن آن می‌کنند، اما اینکه چرا تا به امروز چشم بر آن بسته و گامی برای تغییر برداشته بودند، جای تعجب دارد. هر چند که ماهی را هر زمان از آب بگیري، تازه است و حتی امروز هم می‌توان خشنود بود از تصمیمی که جامعه آموزش برای دانشجویان گرفته است. دانشجویانی که دیگر لازم نیست اضافه کاری کنند، آن هم اضافه کاری که هیچ کمری ندارد و صرفاً برای آنها هزینه است و بس، اما بی تردید باید جایگزین مناسب برای این داستان حذف‌شده گرفت. حذف مقاله‌نویسی اقدام قابل تقدیری است، اما باید جایگزینی برای آن در نظر گرفته شود، ولی جایگزینی که بتواند سودی در پی داشته باشد، چه برای دانشجویان چه برای جامعه علمی کشور.

حذف الزام ارائه مقاله‌نویسی
سختی پیش، حسین سیمایی صراف، وزیر علوم در نشست مشترک با اعضای کمیسیون آموزش و هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی از ضرورت انعطاف‌پذیری در مقررات آموزشی و تسهیل شرایط دفاع برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در شرایط فعلی کشور خبر داد. سیمایی صراف برای رابطه گفت: «تسهیل مقررات آموزشی از جمله اجازه دفاع از پایان‌نامه و رساله‌های تحصیلات تکمیلی بدون الزام به ارائه مقاله از جمله اقداماتی است که برای کاهش فشار بر دانشجویان در این شرایط اتخاذ شده‌است.»

پیش‌تر، ارائه مقاله یکی از پیش‌شرط‌های دفاع بود و برای



آسیب به ۱۴۹ هزار و ۵۲۸ واحد غیر نظامی در جنگ تحمیلی سوم سند روشنی بر نقض حقوق بشردوستانه و عبور از خط قرمزها از سوی دشمن امریکایی صهیونیستی است. حالا آن ترک رئیس جمعیت هلال احمر و دبیر کل این جمعیت می‌گویند جمعیت هلال احمر اسناد این جنایت از‌آده حقوق بشری را مستندسازی کرده و بر پی آن است تا تا تعاملات بین‌المللی و استفاده از ظرفیت سمن‌ها صحنه‌های فعال در حوزه حقوق بشر و دادگاه‌های بین‌المللی این جنایات را پیگیری کند.

جمعیت هلال احمر کشورمان هم در حوزه امداد و نجات هم در حوزه فعالیت‌های بین‌المللی، در جنگ رمضان و همچنین در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، خوش درخشید و توانست نقش خود را به خوبی ایفا کند. حالا و در آستانه هفت هلال احمر، رئیس جمعیت و دبیر کل آن در نشستی خبری ضمن ارائه گزارش فعالیت‌های امداد و نجات از پیگیری‌ها و تلاش‌های جمعیت هلال احمر در حوزه بین‌الملل برای مستندسازی و پیگیری حقوقی جنایات رخ داده در جریان حملات امریکایی صهیونیستی به کشورمان خبر دادند و به دستاوردهای این جمعیت در حوزه‌های حقوقی و بین‌المللی پرداختند.

آسیب به حدود ۱۵۰ هزار واحد غیر نظامی

به گفته میثم افشار، دبیر کل جمعیت هلال احمر تا قبل از جنگ تحمیلی دوم خیلی از دستگاه‌ها آمادگی لازم برای شرایط جنگی را نداشتند، ولی بعد از جنگ در هلال احمر آمادگی ذهنی روانی و عملیاتی از جنس جنگ به وجود آمد. بعد از جنگ ۱۲ روزه هلال احمر نقاط قوت و ضعف را شناسایی، نقاط ضعف را برطرف و نقاط تهدید را به فرصت تبدیل کرد.

وی ادامه داد: «۱۴۹ هزار و ۵۲۸ واحد غیر نظامی در جنگ تحمیلی سوم آسیب دید. ۵۶ مرکز هلال احمر، ۹۹۳ واحد آموزشی، ۳۲ دانشگاه، ۳۵ مرکز درمانی بهداشتی، ۲۴ هزار و ۲۵۰ واحد تجاری، ۱۲۲ هزار و ۶۴۷ واحد تجاری آسیب دیدند. در تهران ۵۲۲ نقطه مورد اصابت قرار گرفت ولی لحظه‌ای شکل یک جنگ گسترده را نگرفت.»

مستندسازی وقایع انسانی در جنگ
بنا به تأکید افشار تولید اسناد حقوق بشردوستانه در هلال احمر انجام و مستندسازی و به میجامع بین‌المللی ارسال شد. مستندسازی مصادیق نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه بسیار امر حیاتی است، زیرا این موارد است که در دنیا شنیده می‌شود. یکی از ارزشمندترین اقدامات تیم بین‌الملل جمعیت، ثبت و روایت میدانی رخدادها در سطح جهانی بود.

دبیر کل جمعیت هلال احمر درباره این مستندسازی اینگونه توضیح داد: «برای نخستین‌بار، تولید اسناد و گزارش‌های مستند از وقایع

جنگ، رانت مقالات دانشگاهی راهم حذف کرد!

وزیر علوم از حذف الزام مقاله برای دفاع از پایان‌نامه و رساله ارشد و دکتری به دلیل شرایط جنگی خبر داد این موضوع می‌تواند پس از جنگ هم ادامه پیدا کند



دانشجویان را وادار به گذر از مسیری طولانی و پرهزینه می‌کرد، مسیری که اغلب با دلالتی و بازار سیاه همراه بود. حالا دیگر الزامی به عبور دانشجویان تحصیلات تکمیلی از این مسیر برچالش و برابیراد نیست.

از دلالتی تا گروگان‌گیری علمی

سالیان سال است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی، مجبور می‌شدند برای عبور از مسیر دفاع پایان‌نامه، به راهکارهایی دست بزنند که اسمش را هر چیزی می‌شود گذاشت جز علم و دانش! صحبت‌های دانشجویان و گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های مختلف نشان می‌دهد که بسیاری برای گرفتن مدرک ارشد و دکتری مجبور به خرید مقاله یا استفاده از خدمات دلالتان علمی می‌شدند.

آقای موسوی که دانشجوی دکتری فیزیک بود و اکنون فارغ‌التحصیل شده است در این رابطه می‌گوید:

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰-۸۸۵۲۲

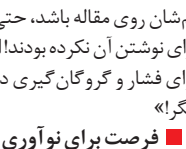
جنگ، رانت مقالات دانشگاهی راهم حذف کرد!

وزیر علوم از حذف الزام مقاله برای دفاع از پایان‌نامه و رساله ارشد و دکتری به دلیل شرایط جنگی خبر داد این موضوع می‌تواند پس از جنگ هم ادامه پیدا کند



«مقاله‌نویسی در دانشگاه ما توسط هر کسی انجام می‌شد به جز دانشجویان اصلا مقاله‌نویسی تبدیل به شغل شده و بازار پررونقی هم دارد. عده‌ای هستند که در ازای نوشتن مقاله از دانشجویان پول می‌گیرند. در آن زمان احساس من به جای تلاش برای کسب علم، صرفاً خرج پول بود برای گرفتن مدرک.»

خانم کریمی نیز که دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات بوده، درباره تجربه خود از بازار مقاله‌نویسی می‌گوید: «برخی اساتید می‌گفتند باید اسم‌شان روی مقاله باشد، حتی وقتی هیچ کاری برای نوشتن آن نکرده بودند! انگار مقاله‌ها ایزداری برای فشار و گروگان‌گیری دانشجوی بود و نه چیز دیگر!»



فرصت برای نوآوری

اکتون وزارت علوم با حذف الزام ارائه مقاله بسرای دفاع پایان‌نامه، رسماً فشار بی‌دلیل

رئیس جمعیت هلال احمر:

دادستان دیوان‌گیری بین‌المللی

با نامه‌نگاری‌های ما گفت «کشوری به اسم اسرائیل نمی‌شناسم»!



انسانی جنگ تحمیلی سوم در جمعیت هلال احمر جمع آوری و به نهادهای بین‌المللی برای روایت دقیق‌شرایط انجام شد. این مهم طریق کانال‌های حقوقی بین‌المللی طرح شکایت خود را دنبال کنند وی خاطر نشان کرد: «هدف ما این است که این مسئله در سطح افکار عمومی جهان بازتاب پیدا کند و نشان دهیم که حمله به مراکز امدادی هیچ توجیه قانونی ندارد. جامعه جهانی باید میان سکوت و مسئولیت‌پذیری یکی را انتخاب کند؛ یا بپذیرد که چنین حملاتی قانونی است، یا در برابر آن موضع بگیرد.»

از نگاه افشار جدای از نتیجه، این کار برای ثبت در تاریخ و ذهن بیدار جامعه بشری تهیه می‌شود. در عین حال تلاش می‌شود این گزارش مستندات با کمک مردم آسیب‌دیده و نهادهای ونی او‌های حقوق بشری، تبدیل به یک پرونده حقوقی شود.

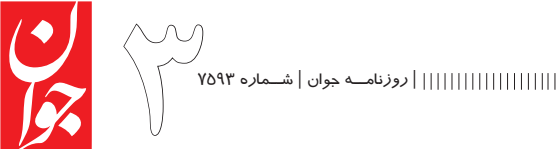
تلاش همه‌جانبه برای پیگیری نقض آشکار حقوق بشر
دبیر کل جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران ضمن محکوم کردن حملات نظامی اخیر امریکا به مراکز امدادی گفت: «جمعیت هلال احمر ایران از تمامی مسیرهای حقوقی، بین‌المللی و انسانی برای پیگیری این نقض آشکار حقوق بشر و بشردوستانه استفاده خواهد کرد.»

وی تأکید کرد: «اسناد و مدارک مربوط به این حملات جمع‌آوری و در حال تنظیم فایل‌های مستند برای ارائه به نهادهای بین‌المللی از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، شورای حقوق بشر و دادگاه‌های بین‌المللی است. به گفته وی پرونده‌ای رسمی در این زمینه در حال تشکیل است تا این رفتارها در سطح جهانی بررسی و پیگیری شود.»

به گفته افشار ایران در تعامل با انجمن‌های حقوقی و سازمان‌های بین‌المللی همکاری دارد و نشست‌هایی نیز برای هماهنگی نحوه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی را حمایت می‌کنیم و هم

بر دانشجویان را کاهش داده‌است. این وزار تخانه به خوبی دریافت‌ه که با ورود هوش مصنوعی، نوشتن مقاله‌های علمی برای دفاع از ارشد و دکتری دیگر کار دشواری نیست، چراکه ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند بخش زیادی از مسیر را انجام دهند و دانشجوی حتی بدون تسلط کامل بر محتوا، می‌تواند چندین مقاله تولید کند، بنابراین دیگر معیاری مانند تعداد مقاله، نمی‌تواند سنجش دقیقی از توانایی علمی دانشجو باشد، بلکه باید معیار اصلی نوآوری، خلاقیت و توانایی علمی واقعی او باشد.

این فرصت، (یعنی حذف الزام ارائه مقاله) می‌تواند نقطه شروعی برای اصلاح سنجش علمی در دانشگاه‌ها شود، گامی که دانشجویان را به سمت پژوهش‌های کاربردی، نوآوری و تولید دانش واقعی سوق می‌دهد و پایان نامه‌ها را از ابزاری برای گذر از مقررات به مبنای واقعی رشد علمی دانشجو و اسناد تبدیل می‌سازد. فرصتی که اگر از آن، درست استفاده شود، می‌تواند دانشگاه‌های ایران را همگام با جریان جهانی علم و دانش قرار دهد.



خبرنگاران در جنگ

سازمانی که نیست و هزینه‌هایی که هست

سینا شامخ*

در جنگ‌ها خبرنگاران فقط ناظران و گزارشگران رویدادها نیستند؛ آنها یکی از بازیگران اصلی میدان به‌شمار می‌روند. با دوربین و قلم خود روایت‌ها را می‌سازند، افکار عمومی را جهت می‌دهند و حقیقت را از دل آشوب و آتش بیرون می‌کنند. در یک جنگ تمام‌عیار، ارزش یک خبرنگار در خط مقدم، گاه از یک لشکر هم بیشتر است؛ چون او است که تصویر مقاومت، پیروزی، شکست یا ناامیدی را مخابره می‌کند. در عین حال در هجمه امریکایی – صهیونی به ایران عزیز، خبرنگاران (چه در رسانه‌های رسمی و چه خبرنگاران آزاد) به یکی از حساس‌ترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین گروه‌های حرفه‌ای تبدیل شده‌اند.

در هجمه امریکایی – صهیونی به ایران عزیز خبرنگاران نه تنها از خطرات فیزیکی جنگ و درگیری‌ها در امان نبوده‌اند، بلکه با لایه‌های بیپرده‌ای از محدودیت‌های ارتباطی، تهدیدات شغلی و نبود حمایت‌های صنفی هم مواجه بوده‌اند که حرفه‌ای‌گری و تاب‌آوری آنها هدف قرار داده‌است. در دو جنگ اخیر، دهها خبرنگار قراردادهای ثابت را به حق‌التحریر تبدیل کردند و برخی دیگر، نیروهای کارآموز را به دستمزد ناچیز جایگزین نیروهای با تجربه ساختند. در کنار این بی‌ثباتی شغلی، محدودیت‌های شدید ارتباطی همچون قطعی مکرر اینترنت و سقف پایین بارگذاری در پیام‌رسان‌های داخلی، ارسال گزارش‌های فوری را به کاری طاقت‌فرسا تبدیل کرده‌است. افزون بر این، هیچ صندوق حمایتی برای خبرنگاران آسیب‌دیده (جسمی یا روانی) وجود ندارد و حمایت معیشتی و روانی معنایی پیدا نمی‌کند. خلاصه آنکه هجوم امریکایی – صهیونی نشان داد که باز هم مشابه تجربه‌های سال‌های گذشته، ساختارهای بدیل حمایت‌گر از خبرنگاران در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و گروه‌های صنفی، تحقق اهداف حمایتی از خبرنگاران را تاگام نگذاشته‌اند.

در چنین وضعیتی که حمایت از حقوق خبرنگاران بدون متولی مانده و فشار مضاعفی بر آنها تحمیل شده‌است، پرسش کلیدی این است: اگر یک حامی وجود داشت، چه ابعادی می‌توانست به کمک خبرنگاران بیاید و بر روز این همه مشکل جلوگیری کند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد، خبرنگاران دست‌کم در هفت حوزه کلیدی نیازمند سازماندهی و حمایت هستند که یک حلقه مقفوده متمرکز آنها پیگیری کرده و اجرایی سازد.

اول، نظام رتبه‌بندی و اعتباربخشی تخصصی: در شرایط جنگ، فرستادن یک خبرنگار بدون صلاحیت به منطقه حادثه، هم برای خودش خطرناک است و هم به کیفیت اطلاع‌رسانی آسیب می‌زند. سازمان نظام خبرنگاری با طراحی «نظام رتبه‌بندی و صلاحیت حرفه‌ای»، خبرنگاران را بر اساس تخصص موضوعی (خبرنگار بحران، خبرنگار جنگ، خبرنگار ورزشی و خبرنگار سلامت) دسته‌بندی می‌کند و گواهی‌های تخصصی صادر می‌نماید. در این صورت رسانه‌ها هنگام اعزام به مناطق حادثه، موظف می‌شوند تنها از خبرنگارانی استفاده کنند که حداقل رتبه «خبرنگار بحران» را دریافت کرده‌اند.

دوم، مقاله‌ها و اخبارهای خودسرانه و تضمین امنیت شغلی: یکی از کارکردهای اصلی هر سازمان نظام حرفه‌ای، نظارت بر روابط کاری و جلوگیری از اخراج‌های غیرقانونی و غیرحرفه‌ای است. سازمان نظام خبرنگاری با تشکیل «هیئت حل اختلاف کار حرفه‌ای» از اخراج خبرنگاران بدون دلیل موجه جلوگیری کرده و موارد غیرموجه را بی به بازگشت به کار یا دریافت غرامت صادر کند. امروز چنین مرجعی وجود ندارد. خبرنگاری که در میانه جنگ از رسانه‌ای اخراج می‌شود، یا باید سکوت کند و برود، یا وارد یک دعوی حقوقی طولانی و پرهزینه شود که در عمل هیچ تضمینی برای موفقیت ندارد. این خلأ عملاً یک تهدید همیشگی بالای سر همه خبرنگاران است. سوم: توزیع عادلانه و شفاف پارانها و امکانات ویژه: توزیع امکانات ویژه (سیمکارت سفید) و پارانها به‌خصوص در شرایط جنگ به شکلی غیرسازمان یافته و غیرشفاف توزیع می‌شوند. سازمان نظام خبرنگاری با احراز هویت حرفه‌ای می‌توانست هم این امکانات را شفاف و عادلانه توزیع کند و هم با بازطراحی نظام پارانها، سهم مستقیمی به خبرنگاران (با توجه به شرایط بحرانی) بدهد.

چهارم، استاندارد‌دسازی و تقویت حمایت‌های ارتباطی و فنی: همواره و ضرورتاً در شرایط جنگی خبرنگاران هم به یک بستر امن و اختصاصی برای انتقال اطلاعات نیاز دارند (بستری با امنیت بالا و رمزنگاری شده) و هم به استاندارد‌سازی بسترهای داخلی موجود (سقف بارگذاری بالا، پهنای باند اولویت‌دار). سازمان نظام خبرنگاری با تعاملات خود بسا وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اپراتورهای ارتباطی و پیام‌رسان‌های اجتماعی زمینه ایجاد این حمایت‌ها را می‌تواند فراهم کند، اما الان در شرایط جنگی فعلی خبرنگار در سردرگمی میان ابزارهای ناامن خارجی آدر صورت دسترسی به سیمکارت سفیداً و یا محدود داخلی گیر افتاده و کیفیت و سرعت انتشار روایت اول را از دست داده‌است.

پنجم، تفکیک تخلفات حرفه‌ای از جرائم عمومی و ایجاد مرجع رسیدگی صنفی: شاید مهم‌ترین کارکرد سازمان نظام حرفه‌ای، ایجاد «دادگاه انتظامی» یا «هیئت رسیدگی به تخلفات صنفی» باشد. بسیاری از اشتباهات خبرنگاران در شرایط عادی و علی‌الخصوص در بحران (مانند انتشار خبر نادرست به دلیل عجله، عدم تخصص به واسطه نبود نظام رتبه‌بندی و اعتباربخشی، یا نقض منشور اخلاقی) تخلف حرفه‌ای است، نه جرم عمومی، اما در نبود یک مرجع صنفی، همین تخلفات مستقیماً وارد دادگاه‌های کیفری می‌شود و خبرنگار به جای توبیخ حرفه‌ای، با پیگرد قضایی مواجه می‌گردد. سازمان نظام خبرنگاری می‌توانست این موارد را در سطح صنفی بررسی کند و مجازات‌های متناسب صادر کند و تنها مواردی را که واقعاً جنبه کیفری دارند به قوه قضائیه ارجاع دهد. امروز، این تفکیک انجام نمی‌شود و خبرنگاران در ترس دائمی از پیگرد قضایی کار می‌کنند.

ششم، صندوق حمایت مالی و معیشتی (بیکاری در شرایط بحران، غرامت و وام‌های اضطراری): در جنگ، اقتصاد رسانه‌ها به شدت تأثیر می‌پذیرد و در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرد. در دوره جنگ، ممکن است، رسانه‌ها خبرنگاران خود را تعلیق یا اخراج کنند که در جنگ رمضان اخیر اخراج خبرنگاران به مراتب به گوش می‌رسید. یک صندوق حمایتی پایدار که از محل حق عضویت، پارانها دولتی و کمک‌های مردمی تغذیه می‌شود، می‌تواند، از خبرنگاران یا حتی رسانه‌ها در مقابل بحران اقتصادی حمایت کند.

هفتم، حمایت همه‌جانبه (حقوقی، روانی و آموزشی) از خبرنگاران: در همه شرایط و به صورت خاص در شرایط جنگی، خبرنگاران هم از حیث حقوقی (احضار، بازداشت، شکایت) و هم از حیث روانی (استرس، تروما) در معرض آسیب‌های جدی قرار دارند. سازمان نظام خبرنگاری با دو بال حمایتی مشاوره حقوقی و روانشناسی می‌تواند یک سازمان حمایتی همه جانبه باشد. «واحد پشتیبانی حقوقی» با قرارداد با وکلای تخصصی مشاوره، برای مشاوره فوری و اعزام وکیل در ساعات اولیه هر رویداد حقوقی، در کنار صندوق حمایت از خبرنگاران برای پوشش هزینه‌های حقوقی، درمانی و معیشتی آسیب‌دگان و «مرکز آموزش و توانمندسازی» برای برگزاری دوره‌های پیش از بحران (اصول پوشش خبری در جنگ، مدیریت استرس در خط مقدم، کمک‌های اولیه روانی، قوانین بشردوستانه بین‌المللی) و جلسات مشاوره روانشناختی پس از بازگشت از مأموریت‌های خبرنگاری یا پشتیبانان قانونی، این سازمان می‌تواند در نهایت آنکه، همجه امریکایی – صهیونی علیه ایران، نقاط ضعف ساختاری نظام حمایت از خبرنگاران را با شدت بیشتری آشکار کرده‌است. مشکلاتی مانند نبود نظام رتبه‌بندی و اعتباربخشی تخصصی به خبرنگاران، نبود سازوکار مقابله با اخراج‌های خودسرانه و تضمین امنیت شغلی در جنگ، توزیع غیر شفاف امکانات ویژه، نبود حمایت‌های ارتباطی و فنی برای خبرنگاران، درهم آمیختگی رسیدگی به تخلفات و جرائم در حوزه خبرنگاری، نبود صندوق حمایت مالی و معیشتی و سازوکارهای حمایتی حقوقی و مشاوره‌ای، به نظر می‌رسد همه و همه ناشی از یک خلأ اصلی‌اند، نبود یک سازمان نظام حرفه‌ای خبرنگاری یا پشتیبانان قانونی. این سازمان می‌تواند به‌عنوان یک حلقه واسط و مکمل باشد؛ کارهای تخصصی و سفارشی از دوش دولت بردارد و همزمان، با استاندارد‌سازی فعالیت حرفه‌ای پناهگاهی مطمئن برای خبرنگاران در برابر تمام این تهدیدها ایجاد کند.

«پژوهشگر حوزه رسانه